

روی میز تحریریه



۱. این آخرین رأی گیری ست

دیدید بعضی وقت‌ها، رأی گیری‌های انتخاباتی به دور دوم می‌کشند؟!

ما هم تصمیم گرفتیم آن رأی گیری که در شماره قبلی مطرح کردیم، یک ماه دیگر تمدید کنیم که بعدها نگوئید دموکراسی از جانب ما رعایت نشده و ما الکی الکی کار خودمان را انجام داده‌ایم!

یک ماه دیگر فرصت دارید به ما پیامک بزنید و بگوئید که ما کدام صفحات‌مان را حذف کنیم یا سبک کدام صفحات را تغییر بدهیم؟!

بگذارید یک تقلب بهتان برسانیم.

به عنوان مثال، نظر خود ما این است که صفحه مسافر سبز باید یک تکان اساسی به خودش بدهد و با قلمی نو و سبک و سیاقی بروزتر وسط گود بیاید.

باز هم تقلب می‌خواهید؟ نه دیگر... همان یک مورد که بهتان رساندیم کافی بود. بعدها به ما وصله می‌چسبائید که داشتیم در جریان رأی گیری، خط می‌دادیم!

۳. یک مقدار ژورنالیست‌بازی هم بد نیست‌ها!

هر چقدر هم که جلوی خودت را بگیری، باز هم یک شیطنت‌های ژورنالیستی قلقلکت می‌دهد.

قول نمی‌دهیم، اما احتمالاً برای شماره آخر سال ۹۱، عکسی از تمام کادر اجرایی نشریه را در قالب دو صفحه رنگی برایتان منتشر می‌کنیم و کله‌هایشان را هم با فتوشاپ برمی‌داریم و جایش، کاریکاتورشان را می‌گذاریم که باورتان بشود ما چه آدم‌های با جنبه‌ای هستیم!

هه‌هه! الکی گفتیم! بالاخره این ستون باید یک‌جوری پر می‌شد دیگر!

اما شاید هم یک هم‌چین کاری را انجام دادیم، اما نه در دو صفحه رنگی... یک عکس کوچک اون گوشه موشه‌های صفحه فهرست...

هه‌هه! باز هم که باور کردید... الکی گفتیم!!!

۴. وعده و وعید!

کالا کار ما روزنامه‌نگارها همین است که بنشینیم و وعده بدهیم! ما که مثل مسئولین نیستیم که اهل عمل باشیم! مائیم و وعده دادن‌هایمان!

حالا هم می‌خواهیم وعده یک ویژه‌نامه طنز را برای عید نوروز بدهیم.

البته لازم بذکر است که از وقتی یادمان می‌آید، خیلی‌ها دوست داشتند این کار را در این مجله انجام بدهند. وعده ما هم روی وعده قبلی‌ها! اگر هم دری به تخته‌ای خورد و توانستیم، بدائید از دست‌مان در رفته!

۵. یک سال پرافت و خیز

گفتن این حرف خوب نیست، اما سالی که گذشت حداقل برای مجله دیدار سالی که انتظار داشتیم نبود. پر بود از فراز و نشیب و ترس و لرز به تعطیلی کشیده‌شدن دیدار که دست آخر هم یکی دو ماهی تعطیل شدیم. باقی سال را هم مدام در خوف و رجا بودیم که نکند الان تعطیل شویم و از این داستان‌ها... سال ۹۱، متأسفانه سال تعطیلی حاصل از ورشکستگی برای بسیاری از نشریات بود. امیدواریم سال ۹۲، برعکسش باشد. آهان یادمان رفت... ان شاء... سال جدید برای شما هم سالی پر از خبرهای خوب باشد.

۲. آقا لدفن ما را ببخشید!

عذرخواهی را گذشته‌اند برای همین وقت‌ها.

در شماره قبلی و دقیقاً در شروع بحث پرونده ویژه‌مان، مطلبی داشتیم به عنوان «ما و اگرهای انقلابی» که مجموعه‌ای از یادداشت چند نفر از اصحاب رسانه بود. یکی از آن مطالب هم، متن زیبای آقای اصغر عرفان بود که از قضاء ایشان سرردیر سابق همین نشریه بوده‌اند که حق استادی به گردن‌مان دارند. [مخاطبان قدیمی نشریه حتماً ایشان را به خاطر دارند]

از بخت و اقبال سوخته ما، مطلب ایشان به دلیل یک مشکل فنی ناقابل، چنان بهم ریخت که فاصله بین بسیاری از کلمات، درست در لحظه آخر که برای چاپخانه خروجی می‌گرفتیم بهم ریخت و اصلاً یک وضعی شد که بیا و ببین!

این همه رودررازی کردیم که هم از ایشان به دلیل شهید کردن مطلب‌شان پوزش بطلبیم، هم از تک‌تک مخاطبان‌مان که با یک مطلب بهم ریخته مواجه شدند.